

## عناصر پایدار معماری در بناهای دوره آل بویه با تأکید بر زیبایی‌شناسی نقوش

### چکیده

دوره حکومت آل بویه (۳۲۲-۴۴۸ق)، یکی از ادوار مهم از نظر فرهنگی و تمدنی در تاریخ ایران بوده است. از این دوره آثاری بر جای مانده که نشان‌دهنده معماری این دوره است. بررسی ماهیت معماری این دوره و عناصر آن می‌تواند سیر معماری در ایران و تحولات آن در این دوره را آشکار سازد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که در دوره آل بویه، معماری صدر اسلام با تغییرات فرهنگی دوره ساسانی و استفاده از بهینه‌های فرهنگی و برداشت‌های اجتماعی و مذهبی دارای عناصر بنیادی در قالب نوآوری بود. به طریقی که هم یادآور دوره گذشته است و هم بیان‌دهنده تنوع در سیر تطور معماری ایرانی است. مصالح معماری صدر اسلام با اتکا به شرایط محیط پیرامون شامل چینه، خشت، آجر و سنگ است. در بیشتر مناطق ایران استفاده از خشت و چینه از گذشته تاکنون مورد استفاده قرار داشته‌اند زیرا مصالح همواره بوم‌آور بوده و از همان محیط و پیرامون تأمین می‌شدند. تزئینات بناهای صدر اسلام اتکاء به تزئینات ادوار پیش از خود دارد و به عبارتی رنگ‌گذاری تاریخی طولانی است چنان‌که در اولین معابد پیش از تاریخ از آن استفاده شده است. در دوره آل بویه نیز ترکیبی از معماری برگرفته از فرهنگ اسلامی و معماری برجای مانده از دوره ایران باستان به چشم می‌خورد که انعکاس آن را می‌توان در کاربست نقوش تزئینی در کنار مصالح و مواد معماری کهن مشاهده کرد.

### اهداف پژوهش

۱. بازشناسی عناصر پایدار معماری در بناهای دوره آل بویه.

۲. بررسی زیبایی‌شناسی نقوش در معماری دوره آل بویه.

### سوالات پژوهش

۱. معماری در دوره آل بویه دارای چه ویژگی‌ها و عناصری بوده است؟

۲. نقوش و طرح‌ها چه جایگاهی در معماری دوره آل بویه داشته‌اند؟

**کلیدواژه‌ها:** معماری پایدار، دوره آل بویه، عناصر معماری، زیباشناختی.

## مقدمه

معماری یکی از شاخه‌های مهم هنر در تمدن بشری است که از هزاره‌های نخستین تا به حال توجه بسیاری از جوامع بشری را به خود جلب نموده است. با گذر زمان تلاش‌هایی در راستای تکامل و گسترش آن انجام شده است. معماری، فقط بنا نیست، بلکه یک تفکر است. با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان سبکی خاص و منحصر به فرد نیز وارد عرصه معماری شد که در مواجهه با فرهنگ‌های مجاور تأثیرگذار و نیز تأثیرپذیر بوده است لذا می‌توان گفت که در امتداد گسترش اسلام، معماری و هنر هم شکل و رنگ دینی گرفت و به صورت گسترده در مرزهای ایران اسلامی با اندیشه‌های مذهبی معماران عجین شد. این تأثیر در ساخت بناهای اسلامی خصوصاً در دیده می‌شود. ادغام ویژگی‌ها و عناصر معماری ایرانی با اسلامی در معماری در قرون نخستین اسلامی منجر به پایداری برخی از این آثار شده است. لذا بازشناسی عناصر معماری پایدار در این دوره حائز اهمیت است. دستیابی به پدیدارشناسی جامع در مورد عناصر پایدار به کار رفته در معماری بناهای قرن یکم تا پنجم هجری که منجر به ایجاد منبعی برای شناسایی و معرفی آثار معماری این دوره می‌گردد است. از آنجا که بخش عمده‌ای از هنر معماری اسلامی مربوط به پنج قرن اولیه اسلامی می‌باشد، هر موضوعی که به نحوی اطلاعاتی در این زمینه به دست دهد حایز اهمیت می‌باشد چرا که این آثار علاوه بر این که حجمی از تحقیقات در زمینه پدیدارشناسی را دربر می‌گیرند، دارای تکنیک‌های خاصی از تزیین نیز می‌باشند که آن‌ها منحصر به فرد ساخته است.

مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به پدیده معماری در دوره اسلامی توجه داشته‌اند، روبرت هیلن برند (۱۳۹۳) در اثری با عنوان «معماری اسلامی»، دیوید تالبوت رایس (۱۳۹۳) در کتابی با عنوان «هنر اسلامی»، نور الرفاعی (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی» محمدیوسف کیانی (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان «کتاب معماری ایران دوره اسلامی» به ترتیب به بررسی: چگونگی شکل‌گیری و رشد میراث معماری سده‌های میانه‌ی؛ معماری و نقاشی و سفال‌گری اسلامی، هنرهای اسلامی را تقسیم‌بندی نموده و ذیل هر عنوان، تغییر و تحولات و آثار هر رشته هنری در دوره‌های تاریخ اسلام را به صورت منظم بررسی و بیان کرده و در نهایت بررسی معماری مساجد، مقابر، مدارس، حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها، قلاع، پل‌ها، آب‌انبارها، حمام‌ها، کاروانسراها، کاخ‌ها، مناره‌ها پرداخته و سپس شکل‌یابی معماری اسلامی ایران؛ قوس‌ها در معماری اسلامی؛ گنبدها در معماری اسلامی؛ معماران، استادکاران دوران اسلامی، هنرمندان دوران اسلامی پرداخته‌اند. با بررسی پیشینه مطالعات انجام شده بر روی بناها به نظر می‌رسد که بیشتر محققین بر روی تزیینات از دیدگاه نقوش که بروز بیشتری دارند متمرکز شده و به بیان کیفیت نقوش و تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. بنابراین خلاء پژوهشی در حوزه پدیدارشناسی وجود دارد که انجام این پژوهش می‌تواند در دستیابی به اطلاعات جامع‌تر مفید واقع شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی انجام گردیده است.

## نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی برخی از آثار و بناهای بر جای مانده از معماری دوره آل‌بویه حاکی از ماهیت معماری این دوره تاریخی است. در دوره آل‌بویه که می‌توان گفت مرحله‌ای مهم در تاریخ هنر و فرهنگ ایران زمین است به علت علاقه و حمایت امرای بویهی بناهای زیادی ایجاد گردید. با توجه به اینکه آل‌بویه مسلمان و شیعه مذهب بودند مهم‌ترین جلوه‌گاه معماری در این دوره تاریخی، مساجد بودند. بررسی عناصر تشکیل‌دهنده معماری مساجد نشان‌دهنده این مسئله بود که برخی از اجزای آن بر آمده از فرهنگ و معماری ایرانی و برخی برخاسته از فرهنگ اسلامی و مقتضیات خاص آن است. آثار بر جای مانده از قرن چهارم هجری که امروزه در برخی از شهرهای ایران چون اصفهان و فارس قابل مشاهده هست، گویای استحکام این بناها هستند. از نظر زیبایی‌شناسی نقوش، کاربست نقوش گیاهی، اسلمی و نقوش هندسی از ویژگی‌های این دوره است که بدون شک میراث معماری دوره باستان به خصوص دوره ساسانیان است. با این تغییر که برخی از زیبایی نقوش موجود در آثار دوره آل‌بویه برخاسته از فرهنگ اسلامی است. نمود واضح آن کتیبه‌هایی است که اسماء‌الله یا آیات قرآن بر آن نقش بسته است و گاه‌ها در محراب‌ها، ایوان‌ها و طاق‌های ورودی یا داخلی مشهود است و چشم هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کند. کاربست گنبد، ایوان‌های و صحن‌ها بدون تردید برگرفته از معماری عهد باستان است. معماری که بخشی از آن به علت موقعیت جغرافیایی و اقتضات در زمینه مصالح و یا علاقه‌شاهان به دوره اسلامی امتداد یافته است. گچ‌بری‌های باقی مانده از معماری دوره آل‌بویه نمودی روشن از استمرار عنصری از معماری دوره باستان است. در این دوره گچ‌بری و تزئین نمای بیرونی با آجر به معماری این دوره ویژگی و زیبایی خاصی بخشیده است و همین مسئله سبب ایجاد ماهیتی یکتا برای معماری دوره آل‌بویه شده است. با این تفاسیر باید گفت در مسئله پدیدارشناسی معماری در هر دوره تاریخی بازشناسی عناصر فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی نقش مهمی دارد.

## منابع

الهامی، داود (۱۳۷۹)، «شکوفایی فرهنگی در عصر آل‌بویه»، مجله فلسفه و کلام درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۱۰، صص ۲۱-۳۲.

اعظمی، زهرا، شیخ‌الحکمایی، محمدعلی، شیخ‌الحکمایی، طاهر (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی نقوش گیاهی گچ‌بری‌های کاخ تیسفون با اولین مساجد ایران»، فصلنامه هنرهای تجسمی، شماره ۵۶، صص ۲۴-۱۵.

انصاری، جمال (۱۳۶۵)، «گچ‌بری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنر اسلامی»، فصلنامه هنر، شماره ۱۳، صص ۳۷۳-۳۱۸.

ایمان پور، محمدتقی، یحیایی، علی، جهان، زهرا (۱۳۹۲)، «بازتاب هنر و اندیشه ساسانیان در هنر عهد آل بویه: هنر معماری و فلزکاری»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، شماره ۵، صص ۵۳-۲۱.

بهمنیار، احمد (۱۳۸۳)، صاحب بن عباد، کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات تهران.

پرورش، مرضیه، فرهنگ بروجنی، حمید، لاری، مریم (۱۳۹۴)، «بررسی کتیبه‌های مسجد جامع نایین»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۸۶-۷۵.

پوپ، آرتور (۱۳۸۲)، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدقی افشار، تهران: اختران.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۴۳)، شیوه‌های معماری ایران، تهران: انتشارات هنر اسلامی.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۲)، سبک‌شناسی در معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معاریان، تهران: انتشارات پژوهنده.

تجویدی، اکبر (۱۳۴۵)، «سهم معماری ایرانی در پیدایش معماری اسلامی در قرون اولیه هجری»، هنر و مردم، شماره ۴۷، صص ۸-۲.

تقوی‌نژاد، بهاره، مؤذنی، مریم (۱۳۹۵)، پژوهشی بر آرایه‌های گیاهی و هندسی محراب گچ‌بری مسجد جامع نیریز»، فصلنامه علمی ترویجی نگارینه هنر اسلامی، شماره ۱۵، صص ۸۸-۷۶.

رحیمی آریایی، افروز، ولی‌بیگ، نیما، محمودآبادی، سید اصغر (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی شکلی آذین‌های بندکشی مهری در مساجد منتسب به دوره آل بویه تا ایلخانان در استان اصفهان»، فصلنامه نگره، شماره ۴۹، صص ۶۹-۵۵.

رسولی، هوشنگ (۱۳۸۴)، تاریخچه و شیوه‌های معماری ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پشتون.

رویگر، محمد (۱۳۸۸)، فارس در دوره آل بویه، آوند، اندیشه: شیراز.

زمانی، عباس (۲۵۳۵)، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

ذاکری، سیدمحمدحسین، معاریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، «مسجد جامع کبیر نیریز»، هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۷۱-۶۳.

خوانساری، شیدا، نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی آرایه‌ها در مسجد جامع ورامین و نایین»، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۲۹، صص ۶۲-۴۵.

کاهن، کلود (۱۳۸۳)، «آل بویه»، ترجمه علی بحرانی پور، رشد آموزش تاریخ، شماره ۱۵، صص ۳۷-۳۰.

کاهن، کلود، کبیر، فیض‌الله (۱۳۸۴)، بویه‌یان، مترجم: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

کرمر، جول (۱۳۷۵)، احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، مترجم: محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، تزئینات وابسته به معماری دوران اسلامی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی. علیان، علمدار، سرافراز، علی‌اکبر، جوادی، شهره (۱۳۹۱)، «نقوش سردر جرجیر و تأثیرپذیری آن از هنر ساسانی»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۲، صص ۱۰-۳.

مافروخی، مفضل بن سعد (۱۳۸۵)، محاسن اصفهان، به کوشش اقبال آشتیانی، ترجمه: حسین ابی‌الرضا علوی‌آوی، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

مصطفوی، محمدتقی (۱۳۸۲)، اقلیم پارس، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ملازاده، کاظم، محمدی، مریم (۱۳۷۹)، دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ج ۳، تهران: انتشارات حوزه هنری.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴)، سیری در مبانی نظری معماری، تهران: انتشارات سروش.

منتشری، مهران، حبیب‌شهبازی، شیران (۱۳۹۵)، «مطالعه روند توسعه آجرکاری در معماری مساجد ایران و چرایی عدم توسعه هنر کاشی‌کاری در معماری بعد از اسلام تا دوره ایلخانی» فصلنامه جندی شاپور دانشگاه اهواز، شماره ۶، صص ۹۳-۸۰.

نظیف، حسن (۱۳۹۲)، «پایداری اندام‌های معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی»، باغ نظر، شماره ۲، صص ۶۸-۵۷.

نعیما، غلامرضا (۱۳۹۴)، سیر تحول معماری ایران، ج ۱، تهران: انتشارات سروش.

نوروزی، اعظم (۱۳۸۷)، «آشنایی با شیوه‌های هنری گچبری»، فصلنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰، صص ۱۱۰-۱۰۴.

هیلندبراند، روبرت (۱۳۸۰)، معماری اسلامی، ترجمه: باقر آیت‌الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.